



سال هفتم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۱۲ صفحه، رایگان



این بار نمایشی با موضوع پلنگ ایرانی

صفحه ۱۱

سرمقاله

در ایران چند یوزپلنگ داریم؟

مرتضی اسلامی دهکردی، محمدصادق فرهادی نیا:
در حال حاضر اولین و مهم‌ترین سوالی که در مورد یوزپلنگ آسیایی مطرح می‌شود این است که ما در ایران چند یوزپلنگ داریم؟ طی دو دهه گذشته برآوردهای مختلفی از جمعیت یوزپلنگ آسیایی ارائه شده است که تکاملی در روش‌های به کارگرفته شده در آن‌ها دیده می‌شود. از «روش‌های مطالعه سریع برای تدوین اطلاعات پایه» تا ارزیابی نظرات کارشناسان. نکته مهم در مورد همه این برآوردها آن است که همگی براساس گزارشات مشاهدات، بررسی زیستگاه‌ها و برآوردهای کارشناسی انجام گرفته است که در گذشته نیز برای بسیاری از گونه‌های گوشتخواران در دنیا مورد استفاده قرار می‌گرفته است. البته علت این مسئله وجود اطلاعات بسیار کم از یوزپلنگ در ایران، نبود تجهیزات لازم و فقدان توان کارشناسی لازم برای انجام روش‌های نوین در کشور طی سال‌های گذشته بوده است.

ادامه در صفحه ۲

مهاجرت یوزپلنگ آسیایی در مرکز ایران

صفحه ۵



شرکت فرالاندیشان بساع

نماینده انحصاری محصولات اپتیکی زاواروسکی در ایران (مسئولیت محدود)

SWAROVSKI OPTIK

فاصله یاب دیجیتالی



دوربین‌های تله‌ای متنوع
با رزولوشن ۱۲ مگاپیکسل
"باگارانته شرکت"



تلسکوپ با
زوم ۶۰ برابر



انواع
دوربین‌های
دوچشمی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان بهار جنوبی، مرکز اداری تجاری بهار
طبقه اول اداری، واحد ۵۰۸، تلفن: ۵۱ - ۷۷۶۱۷۲۵۰ (۰۲۱)، فکس: ۷۷۶۱۷۲۵۲

ادامه از صفحه اول

یکی از اقدامات ارزشمند پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی وارد کردن دوربین تله‌ای به ایران در سال ۱۳۸۰ بود. این اقدام نقطه عطفی در مطالعات حیات وحش کشور به حساب می‌آید زیرا باعث شد مطالعات گوشتخواران رفته رفته از مطالعاتی اجمالی و توصیفی به مطالعاتی روشمند و کمی تبدیل شود. حاصل استفاده‌های اولیه از دوربین‌های تله‌ای توسط پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی ثبت تصاویری از یوزپلنگ آسیایی بود که در زمان خود بسیار نادر و حائز اهمیت بودند. به مرور دوربین‌های تله‌ای بیشتری توسط گروه‌ها و ادارات کل مختلف محیط‌زیست استان‌ها برای مطالعه و پایش جمعیت‌ها وارد و مورد استفاده قرار گرفت و این دانش در کشور گسترش و ارتقا پیدا کرد. به طوری که تا امروز حداقل ۵۰۰ دستگاه انواع مختلف دوربین‌های تله‌ای به کشور وارد شده و در اختیار افراد، سازمان‌ها و ادارات کل مختلف می‌باشد. طی این سال‌ها تلاش‌های مختلفی برای برآورد جمعیت یوزپلنگ با استفاده از دوربین‌های تله‌ای در مناطق مختلف انجام شد ولی به علت وجود خطاهایی، هیچ کدام به برآوردی علمی از جمعیت یوزپلنگ منتج نشد. در پاییز و زمستان ۱۳۸۸ با همکاری پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، انجمن یوزپلنگ ایرانی و انجمن طرح سرزمین، مطالعه‌ای اصولی با استفاده از دوربین‌های تله‌ای در پارک ملی کویر انجام شد، اما تنها حضور یک یوزپلنگ نر در این منطقه به اثبات رسید. این مسئله شاید به خاطر قطع ارتباط زیستگاهی پارک ملی کویر با محدوده‌های دیگر یوز خیز ایران باشد.

برآورد جمعیت یوزپلنگ در استان یزد

برآوردهای پیشین، جمعیتی معادل ۳۳ تا ۴۸ یوزپلنگ را برای استان یزد تخمین می‌زد (پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی ۱۳۸۷) که در منطقه پهن‌آور نایندگان و مناطق کوچک‌تر ولی متعدد مرکز استان توزیع شده‌اند. زمستان سال ۱۳۹۰ با همکاری مشترک اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان یزد، انجمن یوزپلنگ ایرانی و پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، پروژه گسترده‌ای برای دوربین گذاری هم زمان در ۴ زیستگاه یوزپلنگ در استان یزد طراحی و اجرا شد. در این مطالعه حدود ۱۰۰ دوربین



عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی / اداره کل حفاظت محیط زیست یزد پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی / ایترا

تله‌ای به مدت نزدیک به ۱۰۰ روز در منطقه حفاظت شده کوه بافق، منطقه شکار ممنوع آریز، پناهگاه حیات وحش دره انجیر، منطقه حفاظت شده و پارک ملی سیاهکوه نصب شدند. در این مطالعه تنها ۸ یوزپلنگ به دام دوربین‌های تله‌ای افتادند. با استفاده از نرم افزار Cap-ture جمعیت $2 + 10$ (۸ تا ۱۲) عدد برای این مناطق با مجموع وسعت ۸۰۰ هزار هکتار به دست آمد. این یعنی حدود نصف جمعیت تخمینی پیشین برای این مناطق! این مطالعه نشان داد که جمعیت و تراکم یوزپلنگ‌ها در این مناطق بسیار کمتر از چیزی است که تصور می‌شد.

البته این پرسش مطرح است: آیا تعداد یوزپلنگ‌ها نسبت به سال‌های قبل و برآوردهای صورت گرفته در آن سال‌ها کاهش یافته است یا جمعیت یوز همواره پایین‌تر از آمارهای تخمینی بوده و به اشتباه بالاتر تصور می‌شد؟ این پرسشی است که امروزه هیچ راهی برای پاسخ دادن به آن وجود ندارد، زیرا روش‌ها

در این سال‌ها بسیار تفاوت کرده و در صورتی که چنین ارزیابی جامعی در گذشته صورت می‌گرفت و داده‌های جمعیتی استاندارد وجود داشت، امکان این ارزیابی وجود داشت که بفهمیم جمعیت یوز در ایران چه روندی را طی نموده است.

از سوی دیگر، برای نخستین بار جابجایی‌های گسترده یوزپلنگ‌ها میان مناطق مختلف نیز مورد اثبات قرار گرفت، هرچند کارشناسان خبره از گذشته معتقد به این پدیده بودند. طی این مطالعه از یک یوز نر در سه منطقه بافق، آریز و دره انجیر عکاسی شد. یوز ماده‌ای هم سه بار بین دره انجیر و سیاهکوه جابجا شده است، یعنی مسیر بیش از ۱۵۰ کیلومتر را طی دو سال ۳ بار پیموده است. این درحالی است که در آفریقا مطالعات در سرنگتی نشان داده که جابجایی یک ماده یوز طی یک سال به مسافت ۴۰ کیلومتر و یا دیده شدن یک یوز نر در فاصله ۳۰ کیلومتری قلمرو خودش پس از دو ماه، پدیده‌های نادری هستند.

پس از انجام این مطالعه در استان یزد دوباره این سوال مطرح شد که در ایران واقعا چند یوزپلنگ داریم؟

یک تخمین بدبینانه

با توجه به جابجایی‌های طولانی یوزپلنگ‌ها در ایران، به نظر می‌آید بهتر است

در ایران چند یوزپلنگ داریم؟

بر اساس مطالعات اخیر، در ایران، نه حداقل بلکه حداکثر ۷۰ یوزپلنگ داریم

روش کار	منبع	جمعیت تخمین زده شده
بررسی بخش‌هایی از مناطق حضور یوز در کشور و مصاحبه با محیط‌بانان	دره شوری ذکر شده در مستوفی ۱۳۷۳	حدود ۳۰
بررسی بخشی از مناطق حضور یوز در کشور	اسدی ۱۹۹۷	۵۰ تا ۱۰۰
بررسی زیستگاه‌های اصلی یوز در کشور و پایش جمعیت یوز براساس مشاهدات مستقیم در شمال شرقی حوزه پراکنش	جورابچیان ۱۳۷۸	کمتر از ۴۰
بررسی تعدادی از زیستگاه‌های یوز به مدت ۲ هفته و مصاحبه با کارشناسان ایرانی	شالر و اوبراین ۲۰۰۱	کمتر از ۶۰
بررسی زیستگاه‌های اصلی یوز و مصاحبه با کارشناسان و محیط‌بانان مناطق	فرهادی نیا ۲۰۰۴	۵۰ تا ۶۰
بررسی سوابق دوربین‌های تله‌ای از سال ۱۳۸۰، مصاحبه با کارشناسان و محیط‌بانان	ضیایی ۱۳۸۷	۷۰ تا ۱۰۰
بررسی سوابق دوربین‌های تله‌ای، بررسی و ارزیابی نظرات کارشناسان و محیط‌بانان و وضعیت طعمه و وسعت زیستگاه‌ها	پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی ۱۳۸۷	۷۱ تا ۱۲۲



عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی / اداره کل حفاظت محیط زیست یزد / پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی / پانترا

زیستگاه‌های یوزپلنگ را بصورت شبکه‌ای از مناطق و به صورت یک زیستگاه کلان در نظر بگیریم. با نگاهی به نقشه پراکندگی یوزپلنگ در ایران، می‌توان زیستگاه‌های یوز را به سه زیستگاه کلان اصلی تقسیم کرد:

ناحیه ۱: رفسنجان (استان کرمان)، مناطق حفاظت شده کالمند و باق، مناطق شکار ممنوع بهاباد و آریز، پناهگاه حیات وحش دره انجیر، منطقه حفاظت شده و پارک ملی سیاهکوه (استان یزد)، پناهگاه حیات وحش عباس آباد (استان اصفهان)

ناحیہ ۲: پناہگاہ حیات وحش نایبندان (استان یزد) و پناہگاہ حیات وحش راور کرمان (استان کرمان)

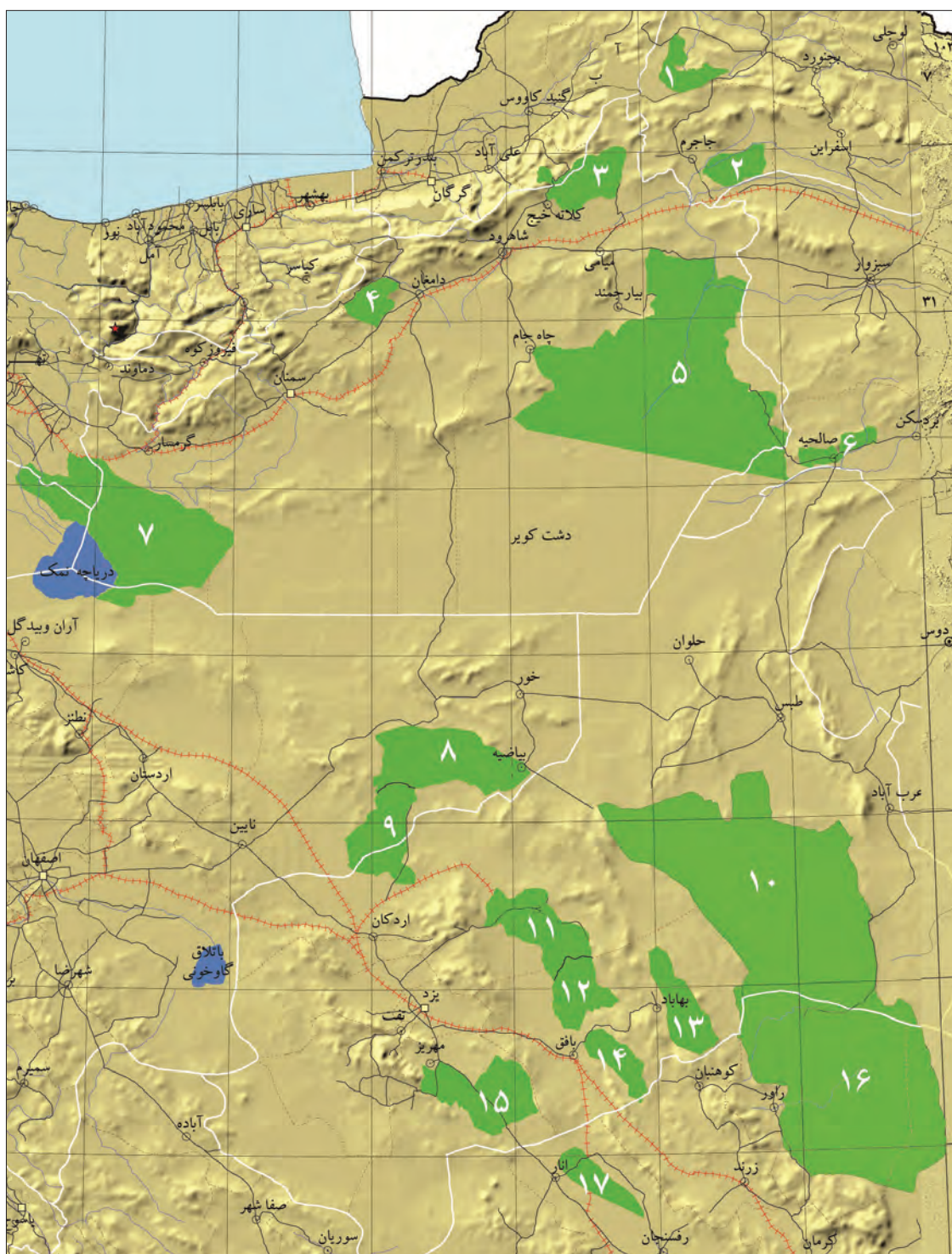
ناحیه ۳: ذخیره گاه زیست کره توران و پناهگاه حیات وحش خوش بیلاق (استان سمنان)، پناهگاه حیات وحش میاندشت و منطقه شکارممنوع بهکده رضوی (استان خراسان شمالی)، منطقه حفاظت شده درونه (استان خراسان رضوی) و احتمالاً سفیدکوه آرسک (استان سمنان).

بر اساس مطالعات اخیر و با توجه به مساحت، وضعیت حفاظتی، جمعیت گیاهخواران مناطق و همچنین گزارش های موجود، در ایران، نه حداقل بلکه حداکثر ۷۰ یوزپلنگ داریم. لازم به ذکر است که اعداد فوق هم مانند تخمین های گذشته نه براساس روش های علمی جدید، که تخمینی کارشناسانه و بر اساس آخرین بررسی هاست. البته محدوده فوق الذکر شامل تنها مناطقی می شود که طی یک دهه گذشته، حضور یوز در آن ها «قطعی» شده است. درعین حال همواره باید به یاد داشت که مناطق گسترده دیگری نیز مانند شمال استان اصفهان (اردستان و کاشان)، بخش های وسیعی از استان های کرمان، هرمزگان، فارس و سیستان و بلوچستان، چاه شیرین سمنان، نیمه جنوبی استان خراسان رضوی (کاشمر، بجستان و گناباد) و محدوده سرخس در شمال شرقی این استان و مناطق آزاد شرق استان یزد نیز دارای گزارش های مشکوکی از حضور یوز می باشند که خود بر وسعت گستره پراکنش یوز در ایران می افزایند. لیکن باتوجه به اطلاعات موجود درخصوص جابجایی های گسترده یوز، نمی توان با قاطعیت گفت که بر جمعیت یوز در ایران نیز افزایند، چون ممکن است که به صورت دوره ای میزبان افرادی از حوزه های اصلی باشند.

سخن آخر

مهم‌ترین اطلاعات برای مدیریت حفاظت از یک گونه، جمعیت آن گونه و روند تغییرات آن است. اطلاعات جمعیتی همه گوشتخواران بزرگ جثه که ارزش حفاظتی در دنیا دارند نیز همواره یک مسیر تکاملی را طی نموده‌اند، از برآورد حدسی (Guesstimate) تا برآورد (Estimate) که این برآورد نیز ابزارهای متعددی را همراه نموده است. از ردیابی و اندازه‌گیری ردپاها تا استفاده سیستماتیک از دوربین‌های تله‌ای و نهایتاً برآورد با استفاده از ژنتیک سرگین. این مسیری بوده که سال‌های دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برای ببرهای هند و پلنگ آمور روسیه آغاز شد و از سال ۲۰۰۰، دوربین‌های تله‌ای نشان داد که حدس‌های قبلی بیش از حد غیر واقعی است. امروزه آنها تلاش می‌کنند از مرحله‌ای که اکنون ما در آن قرار دارید عبور کرده و روش تحلیل ژنتیک سرگین را جایگزین نمایند. ایران همان مسیر تکاملی را طی نموده که همه پیش‌تازان عرصه حفاظت در دنیا طی ۴-۳ دهه آنرا طی نمودند.

بدون دانستن پویایی جمعیت گونه، ارزیابی فعالیت‌های حفاظتی، امری تخمینی و حاوی اشکال خواهد بود. به همین دلیل روندی که برای برآورد جمعیت یوزپلنگ آسیایی در مناطق مختلف آغاز شده است، باید تا تکمیل کلیه زیستگاه‌ها ادامه پیدا کند تا اولین برآورد جمعیت علمی یوزپلنگ آسیایی به دست بیاید. و در ادامه نیز برای پایش این جمعیت بصورت سالانه، برنامه و امکانات لازم فراهم شود.



نقشه ۱: زیستگاه‌هایی که طی یک دهه گذشته، حضور یوزپلنگ در آن‌ها قطعی شده است:

(۱) قر خود و بهکده، (۲) میاندشت، (۳) خوش ییلاق، (۴) سفیدکوه آرسک، (۵) توران، (۶) درونه، (۷) کویر، (۸) عباس آباد، (۹) سیاهکوه، (۱۰) نایبندان، (۱۱) دره انجیر، (۱۲) آریز، (۱۳) بهاباد، (۱۴) بافی، (۱۵) کالمند، (۱۶) راور، (۱۷) رفسنجان

بسیار متشکریم

پایش جمعیت گوشتخواران در پناهگاه حیات وحش عباس آباد



عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی / اداره حفاظت محیط زیست نائین / پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی

تعدادی دوربین در گذرگاه‌های حساس این منطقه نصب شده تا در صورت جابجایی یوز حدود مناسبی از مسیر مهاجرتی آن‌ها به دست آید.

گونه دیگری که در عباس آباد از اهمیت تحقیقاتی زیادی برخوردار است کاراکال می‌باشد. ضمناً اطلاعاتی که طی چند سال اخیر از گرگ در منطقه عباس آباد به دست آمده، مطالعه روی این گونه و احتمالاً تاثیر حضور آن روی یوز را اهمیت بیشتری بخشیده است.

این پروژه به عنوان گام دوم «برنامه‌ی پایش یوز و رقبای آن در ایران» بشمار می‌رود که مرحله نخست آن در چهار منطقه‌ی باقی، آریز، دره انجیر و سیاهکوه استان یزد با موفقیت انجام شد. انجمن یوزپلنگ ایرانی امیدوار است تا پس از اجرای این برنامه و تحت پوشش قرار دادن زیستگاه‌های اصلی یوزپلنگ در کشور، برای نخستین بار، آمار علمی قابل اتکایی از یوزپلنگ در کشور ارائه دهد.

نوید قلی خانی: «پناهگاه حیات وحش عباس آباد» به دلیل تنوع زیستی غنی و مناطق بکر آن و خصوصاً اخبار و عکس‌هایی که از حضور انواع گربه سانان مانند یوزپلنگ، کاراکال و گربه شنی در این منطقه به دست آمده، توجه ویژه‌ای را معطوف خود کرده است. حضور گونه‌های ویژه‌ای چون یوزپلنگ، پلنگ، کاراکال، گرگ، شاه روباه، گربه شنی و گونه‌های دیگر گویای وجود نیاز تحقیقات دقیق و گسترده در این پناهگاه است.

بدین منظور مطالعه‌ای با همکاری اداره محیط زیست شهرستان نائین و حمایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان، دفتر پروژه حفاظت از یوز آسیایی، و انجمن یوزپلنگ ایرانی از فروردین ماه امسال شروع شده است و تا پایان تابستان ادامه خواهد داشت؛ در مرحله نخست پس از بررسی‌های کارشناسان انجمن یوزپلنگ، نقاط مناسبی انتخاب و بیش از ۱۵ دوربین برای ارزیابی مقدماتی وضعیت گونه‌ها، زیستگاه‌ها و آموزش محیط‌بانان در زمینه‌ی عملکرد، نصب گردید و بعد از طی این دوره در مجموع حدود ۴۰ دوربین تله‌ای به طور هم‌زمان در تمام سطح منطقه نصب شد که به طور مستمر مورد سرکشی قرار می‌گیرد. نتایج مقدماتی شامل؛ عکس‌هایی از گرگ و کاراکال و علفخواران گرفته شده و نیز پیدا کردن نقاط جدیدی برای دوربین گذاری در منطقه بوده است. مهم‌ترین گونه هدف در این طرح، یوزپلنگ آسیایی است که در پاییز سال ۱۳۸۹، برای نخستین بار در منطقه عباس آباد و با استفاده از دوربین تله‌ای توسط محیط‌بانان این منطقه عکس‌برداری شد. با توجه به هم‌جوار بودن منطقه عباس آباد و پاک ملی سیاهکوه اردکان، احتمال زیادی برای گذار یوز در این دو منطقه وجود دارد؛ لذا

بررسی تبارشناسی و تنوع ژنتیکی کاراکال در ایران

پلنگ ایرانی با همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست و دانشگاه تهران، در راستای فعالیت‌های پژوهشی خود «بررسی تبارشناسی و تنوع ژنتیکی کاراکال» را از سال ۱۳۹۰ به صورت رسمی آغاز نموده است. در این پژوهش که با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و دانشگاه لیسیون پرتقال صورت می‌گیرد تمام ایران را به عنوان مناطق استیپی و بیابانی را به عنوان حوزه پژوهشی انتخاب کرده و اهداف زیر را دنبال می‌کند: ۱. بررسی تبارشناسی کاراکال های ایران ۲. بررسی تنوع ژنتیکی در بین جمعیت کاراکال‌های ایران ۳. اثبات وجود یا عدم وجود جریان ژنی میان زیر جمعیت‌های کاراکال‌های ایران.

از این رو بررسی‌های ابتدایی با همکاری متخصصین ژنتیک دانشگاه لیسیون پرتقال آغاز و پرابرها طراحی شده است. در حال حاضر نمونه‌برداری‌ها در حال انجام است و به زودی آنالیزهای آزمایشگاهی آغاز خواهد شد. نمونه‌ها می‌توانند بخش بسیار کوچکی از لاشه حیوانات، پوست دباغی شده، نمونه تاکسیدرمی یا حیوان زنده را شامل شوند. سپس محتوای وراثتی آن‌ها با یکدیگر مقایسه و جایگاه تبارشناختی آن‌ها تعیین می‌شود. از ابتدای کار تاکنون نمونه برداری از تعدادی لاشه و نمونه‌های تاکسیدرمی انجام شده است و جستجو برای نمونه‌های بیشتر ادامه دارد. مسلماً هر چه تعداد نمونه‌های مورد آزمایش بیشتر باشند، نتایج از دقت بالاتری برخوردار خواهد بود.

بی‌گمان هر خبری مبنی بر مشاهده و ثبت حضور این گونه در ایران بسیار بارز است. وجود هر نمونه‌ای هر چند قدیمی، کمک شایانی به پیشبرد این پژوهش خواهد کرد؛ خصوصاً نمونه‌هایی که به شرق و شمال شرق ایران (استان گلستان و خراسان شمالی) مربوط می‌شوند. از این رو از خوانندگان این مقاله تقاضا داریم چنان‌چه از وجود نمونه‌ای اطلاع دارند یا بالاشه‌ای برخورد کرده‌اند، اطلاعات خود را از طریق پایگاه اطلاع رسانی گربه‌سانان در سایت انجمن یوزپلنگ ایرانی به گوش ما برسانند.



نمونه‌برداری از کاراکال تاکسیدرمی، عکس از فاطمه حسینی زارئی

یاسمن حسن بیگی، صبا سهرابی نیا، فاطمه حسینی زارئی: کاراکال یکی از اعضای خانواده گربه‌سانان در ایران است. استار قوی این گربه جذاب در محیط زندگی خود یعنی استپ و بیابان به کمک پوشش یکنواخت و رنگ قهوه‌ای روشن پوست او صورت می‌گیرد. کاراکال، که در برخی مناطق آن را با نام «سیاه گوش» یا «یوزو» می‌شناسند، حیوانی بسیار سریع و چابک است. شهرت این حیوان به دلیل توانایی در پرش‌های عمودی و شکار پرندگان در حال پرواز است، به طوری که می‌تواند از حالت ساکن به طور عمودی تا ارتفاع ۳ متر به بالا بجهد.

حضور کاراکال در سراسر قاره آفریقا و بخشی از خاورمیانه ثبت شده است، در حالی که جمعیت آسیایی نسبت به جمعیت آفریقایی تراکم کمتری داشته و در نتیجه مستلزم توجه بیشتری است. این گونه در

بسیاری از مناطق آسیا به عنوان گونه نادر در نظر گرفته شده است و از وضعیت آن در ایران اطلاعات دقیقی در دسترس نیست ولی به نظر می‌رسد که جمعیت آن‌ها به تبع تخریب زیستگاه‌ها رو به کاهش گذاشته است.

جمعیت کاراکال در سرتاسر دنیا به هشت زیرگونه تقسیم بندی و زیر گونه *C. caracal schmitzi* برای منطقه آسیا در نظر گرفته شده است. همچنین جمعیت کوچکی از آن‌ها در ترکمنستان و احتمالاً بخشی از شمال شرق ایران با نام *C. Caracal michae* / نام گذاری کرده‌اند. از نظر اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN) گونه کاراکال جزو گونه‌های با حداقل نگرانی طبقه بندی شده است، اما زیر گونه *C. caracal schmitzi* و نیز زیر گونه *C. caracal mi-chaelis*، که به نظر می‌رسد در بیشتر مناطق پراکنش خود مورد تهدید است، جزو زیرگونه‌های در معرض خطر انقراض محسوب می‌شوند. کمبود اطلاعات موجود در مورد گونه کاراکال این پرسش را مطرح می‌سازد که زیرگونه کاراکال در ایران چیست؟ انجمن یوزپلنگ ایرانی پس از انجام مطالعات ژنتیکی در زمینه

اخبار

آغاز کار آموزش جوامع محلی در منطقه حفاظت شده درفک - دیلمان

سیما ببرگیر: از آنجا که پلنگ به عنوان نماد حفاظت از منطقه قفقاز انتخاب شده است، از سال ۲۰۰۷ کشورهای حوزه قفقاز در حال اجرای پروژه پلنگ قفقاز با همکاری صندوق جهانی حیات وحش (WWF) هستند. از سوی دیگر، شمال غرب ایران جمعیت قابل توجهی از پلنگ دارد که منبع جمعیت پلنگ قفقاز محسوب می‌شود و گویای این مطلب است که جمعیت پلنگ قفقاز در ایران زیست می‌کند. به عبارت دیگر، پلنگ ایرانی نماد زیست بوم قفقاز است. پلنگ ایرانی، به عنوان بزرگترین گربه سان در ایران، در معرض خطر انقراض قرار دارد و طبق ارزیابی IUCN مهمترین عامل تهدید در مورد این زیرگونه، ایجاد فاصله بین زیستگاه‌ها و تکه‌های شدن آنها به‌ویژه در ناحیه قفقاز است که منجر به ایجاد فاصله و کوچک‌تر شدن جمعیت زیر گونه می‌شود. بنابراین مناطقی که به عنوان کریدور در برقراری ارتباط بین جمعیت‌ها نقش دارند از اهمیت بسزایی برخوردارند. منطقه شکار ممنوع درفک - دیلمان در استان گیلان به عنوان کانال ارتباطی این نقش را در پراکنش پلنگ ایرانی از ناحیه قفقاز به ایران ایفا می‌کند. در ضمن کاهش طعمه در این منطقه یک نگرانی عمده محسوب می‌شود چراکه سبب افزایش تعارض بین مردم محلی و پلنگ به دلیل از بین رفتن دام اهلی می‌شود. بنابراین اعمال شیوه‌های نوین مدیریتی با رویکرد مشارکت مردمی و تغییر نگرش عمومی نسبت به این گونه برای حفاظت مؤثر گریزناپذیر به نظر می‌رسد. به همین منظور انجمن یوزپلنگ ایرانی در نظر دارد با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان گیلان طرحی تحت عنوان « ظرفیت سازی جوامع محلی برای حفاظت از پلنگ ایرانی در ناحیه قفقاز: منطقه شکارممنوع درفک - دیلمان » این طرح، با هدف کاهش تعارض بین مردم محلی و پلنگ و برای دستیابی به راه حل برای کاهش تلفات دام توسط پلنگ طراحی شده است.

این طرح که زمان اجرای آن دو سال در نظر گرفته شده است، از زمستان گذشته با مذاکره و رایزنی با مدیران و تصمیم‌گیران محلی کار خود را آغاز کرد. روستاهایی که شاهد حضور پلنگ در منطقه بوده‌اند و یا تلفات دام توسط پلنگ در آنجا بیشتر گزارش شده‌است توسط محیط‌بانان منطقه معرفی شدند. در گام بعد، مصاحبه با روستائیان برای ثبت میزان تعارض با پلنگ و همچنین دانش و نگرش ایشان نسبت به این گونه در خطر انقراض در ۷ روستای منطقه انجام گرفت. با توجه با اطلاعات به‌دست آمده روستاهای گاو کول، گیل‌بام و چل‌گاجه به عنوان روستاهای هدف این طرح انتخاب شدند، تا مبنای کار میدانی کار قرار گیرند.

مهاجرت یوزپلنگ آسیایی در مرکز ایران



محمدصادق فرهادی نیا: نتایج مطالعات اخیر در مناطق حفاظت شده استان یزد که با استفاده از دوربین‌های تله‌ای صورت گرفت، نشان از جابجایی‌های گسترده یوزها میان مناطق مختلف دارد. شگفت‌انگیزترین مورد مربوط به یک ماده یوز بالغ می‌باشد که بین دو منطقه با فاصله هوایی بیش از ۱۵۰ کیلومتر در تردد است.

آغاز ماجرا... سال ۱۳۸۸

در سال ۱۳۸۸، در ۳ نوبت از یوزپلنگ در پناهگاه حیات وحش دره انجیر بوسیله دوربین‌های تله‌ای کار گذاشته توسط سیدجلال موسوی عکس‌برداری شد که مربوط به ماه‌های شهریور و آذر بود. در ۲ نوبت، تصاویر از سمت راست جانور گرفته شده است که مقایسه آن‌ها نشان از آن دارد که هر دو متعلق به یک ماده یوز بالغ هستند. یک تصویر نیز مربوط به سمت چپ جانور است که با توجه به آنکه در همان زمان و همان دره انجیر گرفته شده، احتمالاً همان ماده یوز شناسایی شده است. لازم به ذکر است که مقایسه این یوز با یوزهای گرفته شده در سال‌های گذشته (بیش از ۳۰ تصویر) نشان از آن دارد که ظاهراً یوز مذکور برای نخستین بار در این منطقه به دام دوربین‌های تله‌ای افتاده است.

سال ۱۳۸۹ ... سیاهکوه

در تیرماه ۱۳۸۹، یک دوربین تله‌ای که توسط مرتضی عزیزی در پارک ملی سیاهکوه کار گذاشته شده بود، از یک یوز همراه با سه توله عکس‌برداری کرد که تنها حضور یوز را در سیاهکوه ثابت می‌کرد، لیکن امکان شناسایی یوزهای مختلف چندان از طریق خال‌ها امکان پذیر نبود. چند روز بعد، از یک یوز ماده همراه با سه توله در سیاهکوه توسط جواد شکوهی عکس‌برداری شد که زاویه مادر حین فرار مقایسه خال‌ها را امکان پذیر نمود که به صورت جالبی، مبین حضور همان ماده یوز دره انجیر در این منطقه و زایمان در سیاهکوه (به احتمال زیاد) بود. این ماده در مسیر حرکت خود فاصله هوایی بیش از ۱۵۰ کیلومتر را طی کرده و از خط آهن و دو جاده عبور کرده و به این منطقه رسیده بود. این ماده یوز یک بار دیگر توسط جواد شکوهی و غلامی در اطراف خود کوه سیاهکوه دیده شد که یک بز وحشی شکار کرده بود. از آن تاریخ، این خانواده با ۴ عضو دیگر همراه با هم ثبت نشدند تا اینکه اسفند ۱۳۸۹، این بار در منطقه حفاظت شده سیاهکوه، مادر همراه با یک توله زیر یک درخت بنه توسط دوربین تله‌ای که توسط مرتضی عزیزی کار گذاشته شده بود، عکس‌برداری شد.

ابتدا در دره انجیر، سپس در سیاهکوه در سال ۱۳۹۰

همزمان با انجام دوربین گذاری‌های گسترده با همکاری پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، اداره کل حفاظت محیط‌زیست یزد و انجمن یوزپلنگ ایرانی در تابستان ۱۳۹۰، هیچ مدرکی دال بر حضور این خانواده در سیاهکوه بدست نیامد، تا اینکه دوربینی که توسط سیدجلال موسوی در منطقه بزوا در پناهگاه حیات وحش دره انجیر کار گذاشته شده بود، یوز مادر را این بار همراه با دو توله‌اش در این منطقه نشان داد: ماده یوز همراه با خانواده‌اش به دره انجیر بازگشته بود، البته این بار همراه با دو توله و یکی از توله‌ها از بین رفته بود.

تصاویر گرفته شده از یوزها در یزد نشان از آن دارد که این ماده یوز در زمستان ۱۳۹۰ دوباره به پارک ملی سیاهکوه بازگشته بود و دو توله خود که هر دو نر بودند را در دره انجیر ترک کرده بود. با این حال، جابجایی مکرر آن‌ها میان مناطق مختلف و عبور آن‌ها از جاده یزد - طبس احتمال تصادف با خودروهای عبوری را افزایش می‌دهد.

نتایج مطالعات اخیر در مناطق حفاظت شده استان یزد که با استفاده از دوربین‌های تله‌ای صورت گرفت، نشان از جابجایی‌های گسترده یوزها میان مناطق مختلف دارد. شگفت‌انگیزترین مورد مربوط به یک ماده یوز بالغ است. این یوز ماده در مسیر خود از یک خط آهن و دو جاده



اصلی عبور کرده و توانسته هر بار خود را به مقصد برساند. یوزها جانورانی هستند که در آفریقا در بسیاری از مناطق مهاجرت می‌کنند که این الگو عمدتاً از الگوی مهاجرت طعمه‌ها پیروی می‌کند. این پدیده در مورد یوزهای ایران کمتر شناخته شده بوده و نشان از پیوستگی مناطق در مرکز ایران دارد. با این حال دلیل اصلی این رفتار ماده یوز همچنان ناشناخته بوده و نیازمند بررسی‌های بیشتر است. در حال حاضر، دوربین‌های متعددی در پارک ملی سیاهکوه و مناطق پیرامونی آن کار گذاشته شده است تا در صورت زاداوری این ماده یوز و همراهی توله‌ها، بتوان حضور آن‌ها را ثبت و پایش نمود.

پایش جمعیت یوزپلنگ در ایران کمتر به صورت سیستماتیک صورت گرفته و طی سال‌های گذشته تلاش شده که این روند به صورت جدی‌تر مدنظر قرار گیرد. از زمستان ۱۳۹۰، پایش جمعیت یوزپلنگ در مرکز ایران توسط اداره کل حفاظت محیط‌زیست یزد و انجمن یوزپلنگ ایرانی با همکاری پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و مؤسسه پانترا در حال انجام است. در فاز دوم نیز این روند اخیراً با پیوستن اداره کل حفاظت محیط زیست اصفهان در منطقه عباس آباد نایین نیز آغاز شده است. کسب چنین اطلاعاتی درباره جابجایی و تراکم جمعیت‌های یوز ابزار بسیار کارآمدی برای مدیریت و حفاظت آن‌ها در اختیار کارشناسان و مدیران قرار خواهد داد.

تشکر و قدردانی

پژوهش پیش رو حاصل تلاش گروهی کارشناسان و محیط بانان است که طی سال‌های گذشته به پایش یوزها در مناطق مختلف پرداختند و بدین وسیله از آن‌ها تشکر و قدردانی به عمل می‌آید: سید حسین سادات موسوی، حمید جلالوندی، محمود صفرزاده بندری، حسن اکبری، علیرضا جورابچی، هومن جوکار، سیدجلال موسوی، مرتضی عزیزی، جواد شکوهی، اکبر جعفرپور، مهدی تیموری، علی غلامی، محمدجواد شرکایی، علیرضا اکبری، محمدرضا عابدی، محمود زارع، محسن رشیدی، محمدحسین الیاسی، سیداصغر حسینی، سیدمحمود رضوانی، علی اکبر قنبری زاده، مرتضی اسلامی دهکردی، نوید قلی خانی و فاطمه حسینی زورائی.

عکس بالا: دو نر پس از جدایی از مادر در پناهگاه حیات وحش دره انجیر، دی ۱۳۹۰، عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی/اداره کل حفاظت محیط زیست یزد، پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، پانترا
عکس پایین: ماده یوز همراه با سه توله اش در پارک ملی سیاهکوه، تیرماه ۱۳۸۹، عکس از جواد شکوهی

مقدمه

خرس قهوه‌ای پراکندگی ممتدی در شمال و غرب کشور در امتداد دو رشته کوه البرز و زاگرس دارد (Lay 1967, Gutleb and Ziaie 1999). کوهستان‌های البرز به نسبت زاگرس جمعیت بزرگ‌تری را در خود جای داده (Gutleb and Ziaie 1999, Etemad 1985) که حدس زده می‌شود حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ خرس قهوه‌ای باشد (Gutleb and Ziaie 1999). غرب استان مازندران، در منطقه حفاظت شده البرز مرکزی محدوده‌ای است که یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های خرس قهوه‌ای سوری در آن خانه گزیده است (نظامی ۱۳۸۷). اطلاعات علمی به ویژه در ارتباط با جنبه‌های اندازه جمعیت و تولید مثل گونه در ارتباط با خرس قهوه‌ای ایران بسیار محدود است و در مجموع برنامه مدیریت دقیقی برای حفاظت از خرس‌های قهوه‌ای در مناطق حفاظت شده وجود ندارد (سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۸۰).

برآورد جمعیت خرس قهوه‌ای و روندهای جمعیتی آن غالباً بر اساس تعداد ماده‌های دارای توله محاسبه شده (Knight et al. 1995, Palomero et al. 1997) که مهم‌ترین فاکتور در ارزیابی اقدامات

حفاظتی است. گروه‌های خانوادگی بخش مهمی در ساختار جمعیت بوده و حائز اهمیت‌ترین مولفه جمعیت شناختی هستند (Palomero et al. 1997). از همین رو، پایش ماده‌ها به همراه توله‌هایشان اطلاعاتی در ارتباط با وضعیت جمعیت شناختی و بررسی چگونگی حفاظت آن‌ها را ارائه می‌دهد (Knight et al. 1995).

گذشته از ارزش ذاتی این گونه که باید توسط قانون حفاظت شوند، خرس قهوه‌ای ایران در زیستگاه‌هایی زندگی می‌کند که فون بسیار غنی دارد، از قبیل پلنگ ایرانی (*Panthera pardus saxicolor*)، مرال (*Cervus elaphus maral*)، شوکا (*Capreolus capreolus*)، سیاه گوش (*Lynx lynx*) و گرگ (*Canis lupus*) (درویش صفت ۱۳۸۵، ضیایی ۱۳۸۷). بنابراین، از آنجا که خرس قهوه‌ای در اغلب زیستگاه‌های البرز مرکزی پراکنش دارد لذا می‌توان این

گونه را یک گونه چتر قلمداد کرد (Carroll et al. 2001). لذا با تمرکز فعالیت‌های حفاظتی بر روی این گونه می‌توان برنامه مدیریتی حفاظتی موثری را در این زیستگاه جنگلی در معرض تهدید تدوین نمود.

تعداد و بسامد توله‌های هر زایمان و نرخ بقا آن‌ها فاکتوری کلیدی در تغییرات جمعیت است (Frkovic et al. 2001)، لذا پایش این پارامتر، کمک بزرگی به مدیران در ارزیابی کارآمدی



عکس: باقر نظامی

تعداد توله‌های هر زایمان در خرس‌های قهوه‌ای

باقر نظامی

فعالیت‌های حفاظتی دارد. از همین رو، طی این مطالعه وضعیت تعداد توله‌ها در هر زایمان خرس‌های قهوه‌ای در بخش شمالی منطقه حفاظت شده البرز مرکزی بین سال‌های ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفت. امید ما آن است تا این مطالعه پایه‌ای علمی بر تلاش برای پایش در زیستگاه‌های خرس قهوه‌ای به ویژه در مناطقی که پیشینه حفاظتی طولانی دارند باشد.

روش کار

بررسی‌های میدانی از ابتدای شهریور ۱۳۸۴ لغایت پایان شهریور ۱۳۸۸ در منطقه حفاظت شده البرز مرکزی با محوریت محدوده امن آن صورت گرفت. بررسی‌های میدانی تا خردادماه ۱۳۸۶ به صورت ماهیانه انجام شد اما پس از آن بر تیر و مرداد، دوره‌ای که خرس‌ها به ارتفاعات آمده

و مشاهده و زیر نظر گرفتن آن‌ها برای مستند کردن رفتارهایشان آسان‌تر است، متمرکز شد. داده‌ها عمدتاً از قله‌ها و خط الرأس‌های کوهستانی که دید خوبی بر اطراف دارند یا در امتداد ۶ ترانسکت اصلی گردآوری شد. به محض مشاهده خرس، اطلاعاتی مانند تعداد، سن (مانند توله، یکساله و بالغ)، زمان، محل، زیستگاه و رفتار آن ثبت می‌شد. رنگ خرس‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته تا همراه با خصوصیات سنی و جنسی برای تشخیص افراد در یک دوره کوتاه مدت بکار رود. قابل ذکر آنکه این خصوصیات در سایر مطالعات خرس‌های قهوه‌ای نیز به عنوان ابزاری در تشخیص افراد مختلف در طول زمان مورد استفاده قرار گرفته است (Sellers and Aumiller 1994, Craighead 2000, Nawaz 2008).

در این مطالعه همچنین از دو دستگاه دوربین دوچشمی 12X برای مشاهده همزمان خرس‌ها توسط دو نگارنده استفاده شد. جهت شناسایی بهتر افراد و کاهش دوباره شماری، با استفاده از یک دستگاه دوربین عکاسی مجهز به لنز ۷۵-۳۰۰ از خرس‌ها عکسبرداری شد. به منظور ارتقای شناسایی افراد، تلاش شد خرس‌ها بدون

اختلال در رفتار طبیعی شان از نقاط مرتفع زیر نظر گرفته شوند و از همین رو، در مجموع حدود ۲۹۰۰ دقیقه مشاهده مستقیم از خرس‌ها طی این مشاهده صورت گرفته است. در این پژوهش ما تنها به گزارش خرس‌هایی که به صورت سیستماتیک ثبت شده اند پرداخته و مشاهدات خرسی که توسط محیط بانان یا سایر کارشناسان و دانشجویان صورت گرفته است، را از داده‌های خود حذف نمودیم. با حذف مشاهدات تکراری از محاسبات، در مجموع ۳۴ بار مشاهده خرس برای این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. ما نسبت به احتمال دوباره شماری به دلیل روش کارمان واقف هستیم، با این حال معتقد هستیم که تعداد چنین مواردی اندک بوده و بعید است که در نتایج ما ایجاد آریبی نمایند. مقایسه افراد تنها میان خرس‌های مشاهده شده در همان سال صورت گرفته ولی از مقایسه خرس‌ها میان سال‌های مختلف اجتناب شد زیرا رنگ خرس‌ها با سن تغییر می‌کند (Nawaz 2008).

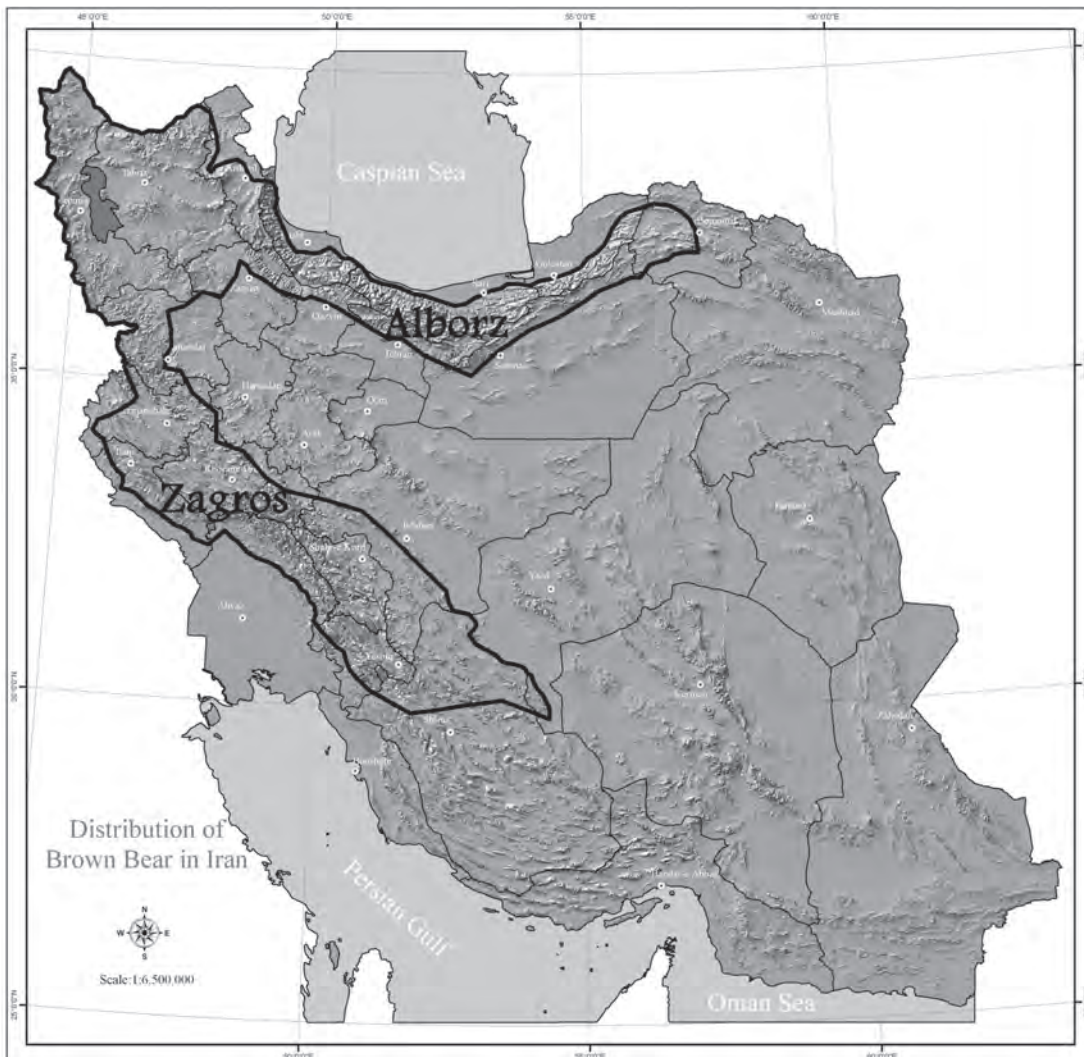
نتایج

در مجموع داده‌های مربوط به مشاهده ۱۱۵ خرس قهوه‌ای در طول چهار سال به دست آمد که ۹۱ درصد آن‌ها در سه ماه فصل تابستان در زیستگاه‌های بالادست بود. ما توانستیم ۲۲ قلاده خرس در سال ۱۳۸۵، ۲۴ قلاده در ۱۳۸۶، ۱۹ قلاده در ۱۳۸۷ و ۱۴ قلاده در ۱۳۸۸ شناسایی

جدول جزئیات مشاهدات خرس قهوه‌ای در منطقه حفاظت شده البرز مرکزی

سال	تعداد کل مشاهدات ^۱	تعداد افراد شناسایی شده ^۲	تعداد ماده‌ها با توله‌های همان سال	تعداد توله‌ها	میانگین تعداد توله‌های همان سالی به ازای مادر
۱۳۸۵	۳۸	۲۲	۲	۵	۲٫۵
۱۳۸۶	۳۷	۲۴	۳	۶	۲
۱۳۸۷	۲۱	۱۹	۴	۹	۲٫۲۵
۱۳۸۸	۱۹	۱۶	۴	۶	۱٫۵
مجموع	۱۱۵	۸۱	۱۳	۲۶	۲

۱) مجموع خرس‌های مشاهده شده در طول هر سال بدون حذف مشاهدات تکراری
۲) مجموع تعداد خرس‌ها پس از حذف مشاهدات تکراری



ما می‌تواند پایه علمی مفیدی برای پایش جمعیت خرس‌ها در ایران باشد. پیشنهاد می‌شود سازمان حفاظت محیط زیست در سایر زیستگاه‌های خرس قهوه‌ای در کشور نیز بررسی‌های مشابهی به منظور ارزیابی وضعیت حفاظتی برای مقایسه با این منطقه مورد مطالعه که به نظر می‌رسد دارای تراکم بالایی از خرس در ایران است، انجام دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود سطح حفاظت (به عنوان مثال افزایش تعداد محیط بانان) ارتقاء یابد تا این محدوده زادآوری ماده‌ها، امن باقی بماند. سایر جمعیت‌های پیرامونی نیز باید مورد بررسی قرار گیرد تا پیوستگی احتمالی آن با این منطقه ارزیابی شود. همچنین یافته‌های ما باید در برنامه‌های مدیریتی محلی و منطقه‌ای مدنظر قرار گیرد تا از نابودی این زیستگاه در شمال ایران اجتناب شود چرا که بواسطه طرح‌های توسعه‌ای به شدت در معرض تهدید می‌باشد.

تشکر و قدردانی

بر خود می‌دانیم تا از سازمان حفاظت محیط زیست و اداره کل حفاظت محیط زیست استان مازندران به جهت تامین منابع مالی و فراهم کردن امکان بازدید میدانی تشکر کنیم. همچنین تشکر ویژه از آقایان محمد نصرتی، علیرضا جورابچیان، محمد ابراهیم صحتی ثابت، حمید امینی و مرتضی اسلامی داریم. در پایان صمیمانه از همکاری صادقانه محیط‌بانان منطقه به ویژه یزدان سینکایی، رحمان اسحاقی، عباس جمالی، عمران شیخ الاسلام، مرتضی سحرخیز، جعفر مقسم، مهدی بابازاده و محمد قمی قدردانی می‌شود.

این مقاله ترجمه ای بود از:

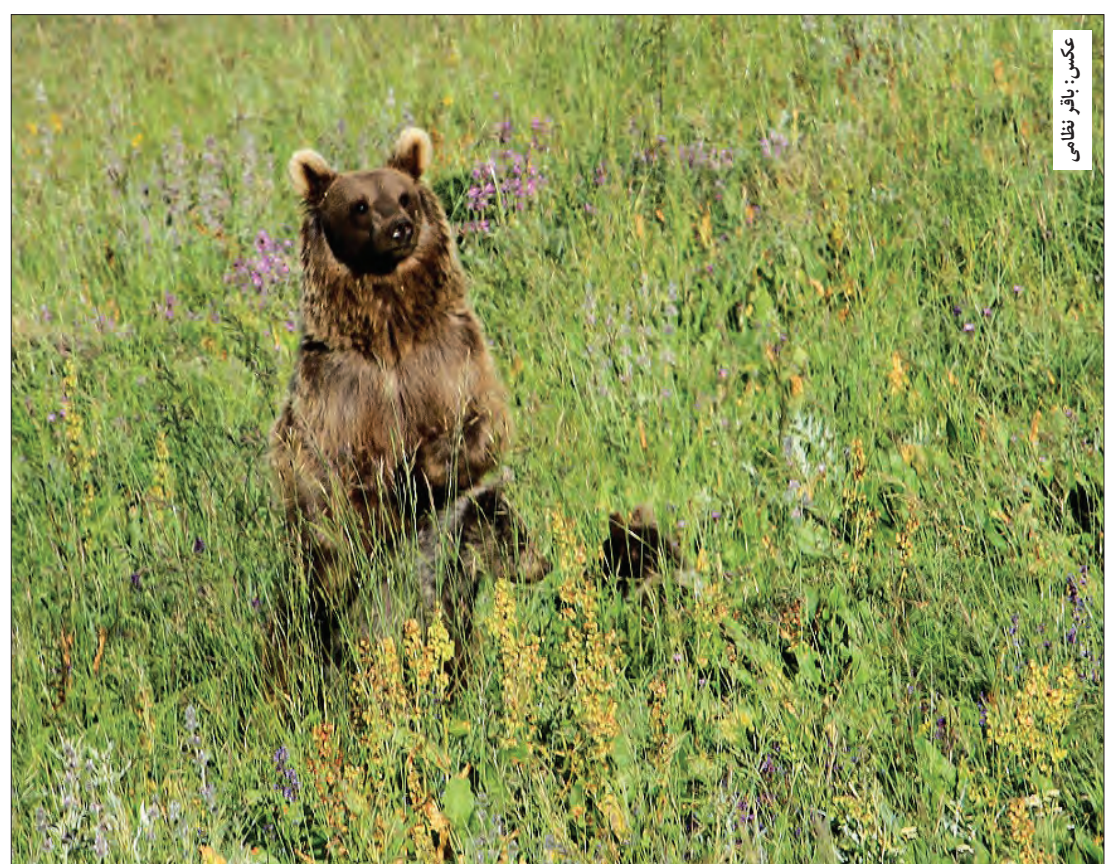
Nezami B. and Farhadinia M.S. 2011. Litter Size of Syrian Brown Bear *Ursus arctos syriacus* in Central Alborz Protected Area, Iran, *Ursus* 22(2):167–171 (2011)

کنیم. با وجود بررسی‌های میدانی پیوسته تا خرداد ۱۳۸۵ هیچ گونه خرسی در طول پائیز و زمستان دیده نشد. با اینکه ما ردپا و سرگین تازه ای از خرس‌ها نیز در این دوره ندیدیم، با این حال عدم موفقیت در مشاهده خرس‌ها طی این دوره احتمالاً به دلیل دشواری مشاهده خرس‌ها در زمانی که عمدتاً در جنگل‌های انبوه هستند، بوده است. در بین مشاهداتی که از خرس‌ها به صورت گروهی داشتیم، ۸۶ درصد آنها را گروه‌های خانوادگی تشکیل می‌دادند. ۱۹ گروه خانوادگی مشاهده شد که متشکل از ۱۳ مادر با توله‌های همان سالی خود بودند (جدول ۱). تعداد توله‌های ماده‌ها بین ۱ تا ۳ با میانگین ۲،۰۰ (اشتباه معیار ۰،۲) بوده است.

بحث

میانگین تعداد توله‌های یک زایمان ماده‌ها که در محدوده امن منطقه حفاظت شده البرز مرکزی مورد ارزیابی قرار گرفت، کمتر از ۲،۳۹ و ۲،۴ توله که به ترتیب در کرواسی (Frkovic et al. 2001) و اسکاندیناوی (Swenson et al. 1994) ثبت شده است، بود. با این وجود این میانگین از ۱،۸ (جمعیت غربی) و ۱،۵ (جمعیت شرقی) کانتابرین اسپانیا (Palomero et al. 1997) و یا ۱،۳۳ در هیمالیای پاکستان کمتر نیست (Nawaz 2008). بر اساس مطالعه Bunnell and Tait (۱۹۸۱) مواد غذایی مهم‌ترین فاکتور در وضعیت زاد و ولد خرس‌هاست. پستانداران باکیفیت ترین غذای خرس‌ها در طول سال هستند (McLellan and Hovey 1995, Hilderbrand et al. 1999) و فراوانی منابع گوشتی تاثیر مثبتی در موفقیت زادآوری آن‌ها دارد (Hilderbrand et al. 1999). این موضوع همچنین در ارتباط با خرس قهوه‌ای هیمالیایی نیز گزارش شده و جثه کوچک آن با رژیم غذایی غالباً گیاه‌خواری آن مرتبط دانسته شده است (Nawaz 2008). گمان ما بر آن است که خرس‌ها در منطقه مورد مطالعه ما نیز فاقد گوشت در رژیم غذایی‌شان هستند (نظامی و فرهادی نیا، در حال انتشار) زیرا ما معتقدیم که شکار پستانداران بزرگ جثه ای مانند پازن (*Capra aegagrus*)، مرال و گراز (*Sus scrofa*) که به مراتب چابک‌تر از خرس‌ها به ویژه در ارتفاعات و صخره‌های سخت البرز هستند، برای آن‌ها دشوار است.

در منطقه حفاظت شده البرز مرکزی جنوبی که در جنوب منطقه مورد مطالعه ما واقع شده است، خرس‌های ماده



نگاره: ناصر نظامی



آسیب پذیری کفتار راه راه در مناطق انسانی شده^۱

مهدیه طورانی، احسان محمدی مقانکی
و بهرام حسن زاده کیابی

گرفته است (تصویر ۱). زیستگاه‌های این محدوده عمدتاً از تپه ماهورهایی تشکیل شده که به مناطق مرتفع خشک ختم می‌شوند. میزان بارش سالانه آن به طور متوسط ۷۵-۱۵۰ میلی متر گزارش شده و دمای هوا در طول سال از ۴۵ تا ۱۲- درجه سلسیوس متغیر است (Entekhabi, 2009). اقلیم منطقه خشک و سرد و پوشش گیاهی غالب آن *Artemisia spp.*, *Astragalus spp.* و *Limonium iranicum* است. تلاش‌های حفاظتی در نیمه جنوبی این منطقه متمرکز شده است و طرح ارتقای این بخش به «منطقه حفاظت شده» نیز پیشنهاد شده بود. از این رو، مطالعات میدانی نیز در نیمه جنوبی منطقه شکار ممنوع مرور متمرکز شد.

نخستین رویداد، حین مصاحبه با یکی از دامداران محلی در محدوده روستایی ندوشن به ثبت رسید. در زمستان ۱۳۸۸ کفتاری در تله پاگیر، که ظاهراً برای دفع گرگ‌ها تعبیه شده، به دام افتاده و سپس توسط روستاییان کشته شده بود. این تله در مسیر خاکی کار گذاشته شده بود که به آغل‌های نگهداری دام‌های اهلی و محدوده مسکونی روستا ختم می‌شد. این دامدار، جنسیت کفتار را ماده اعلام کرد چرا که شخصاً به جداسازی اندام تناسلی جانور اقدام کرده بود.

در خردادماه ۱۳۸۹، محیط‌بانان منطقه در اطراف یک تله پاگیر دیگر به لاشه یک کفتار برخوردند که به شدت مضروب شده بود. این محدوده در میان مسیر رودخانه‌های فصلی جاری در تپه‌های پراکنده از هم قرار داشت که به آغل فصلی نگهداری دام می‌رسید. از آنجا که در زمان مشاهده لاشه به شدت تجزیه شده بود، امکان تعیین جنسیت جانور وجود نداشت. هرچند محیط‌بانان به دلیل بریده شدن اندام تناسلی آن، این نمونه را نیز یک کفتار ماده شناسایی کردند. نصب یک دستگاه دوربین تله‌ای در امتداد همان مسیر، به مدت ۳۰ شب از ۱۵ تیر تا ۱۴ مردادماه ۱۳۸۹، منجر به عکس‌برداری از تنها یک فرد کفتار شد (تصویر ۲).

رویداد سوم، مرداد ۱۳۸۹ تصادف یک خودروی عبوری از جاده میبد-ندوشن

بر اساس داده‌های ثبت
شده، تنها در فاصله
سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹
مرگ حداقل ۱۲ فرد کفتار
در پی تصادف جاده‌ای در
ایران تلف شده‌اند



کفتار راه راه در مقیاس جهانی گونه‌ای در معرض خطر است و در محدوده پراکنش خود با انقراض جمعیت‌های محلی روبروست (Arumugam et al. 2008). در حقیقت، کفتار راه راه عضوی از خانواده کفتارسانان است که کم‌تر شناخته شده است (Watts & Holekamp 2007) و از این رو، گروه متخصصان کفتارسانان اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN) حفاظت این گونه را در اولویت قرار داده‌اند (Mills & Hofer 1998). افزون بر نگاه مصرفی که سبب به برخی از اعضای بدن این گونه وجود دارد (Frem-bgen 1998)، جمعیت‌های محلی کفتار از تلفات به دست انسان، تصادف جاده‌ای و کمبود منابع طبیعی لاشه به بیب کاهش جهانی جانوران شکارگر رنج می‌برند (Aru-mugam et al. 2008, Baker et al. 2008). کفتارها در پی یافتن منابع غذایی به اطراف مراکز انسانی سر می‌زنند (Leakey et al. 1999, Abi-Said & Abi-Said 2007) که این رفتار لاشه خواری، زمینه آسیب پذیری آن‌ها را فراهم می‌کند (Mills & Hofer 1998). بر همین اساس، فعالیت‌های انسانی مهم‌ترین دلیل مرگ و میر کفتارها به شمار می‌رود (Mills & Hofer 1998). کاهش چشمگیر جمعیت کفتارها در ایران عموماً به سبب سم گذاری، کشتن مستقیم جانور توسط انسان و تصادف جاده‌ای دانسته می‌شود (Ziaie 2008)؛ اگرچه ارزیابی دقیقی از وضعیت کنونی گونه در دسترس نیست.

در طول مطالعه‌ای پیرامون رژیم غذایی گرگ در منطقه شکار ممنوع مرور در استان یزد، بررسی مقدماتی برای دریافت نگرش کلی دامداران محلی نسبت به گوشتخواران منطقه، سطح تعارضات و ثبت گزارش احتمالی مرگ و میر جانوران انجام شد. این پیگیری‌ها از مهرماه ۱۳۸۸ تا دی ماه ۱۳۸۹ به ثبت چهار رویداد مستقل از تلفات کفتار در این محدوده منجر شد. نظر به دانش محدود از وضعیت و تهدیدهای این گونه در سطح کشور، این گزارش کوتاه به جزئیات این رویدادها و نقدی بر قوانین کنونی حفاظت کفتار راه راه در ایران می‌پردازد.

منطقه شکار ممنوع مرور با وسعت تقریبی ۸۰۰ کیلومتر مربع در محدوده شهرستان میبد و صدوق (اشکذر) قرار



کفتار راه راه در مرور، عکس توسط دوربین تله ای

ضرورت شمرده نمی‌شود و برای شکار غیر مجاز آن تنها ۴۰۰,۰۰۰ ریال جریمه نقدی در نظر گرفته شده است. از آنجا که به نظر می‌رسد قوانین جاری نه تنها با وضعیت گونه در مقیاس جهانی که در سطح کشور نیز همخوانی ندارد، بازنگری در قوانین کنونی پیشنهاد می‌شود. افزون بر نیاز فوری که به ارزیابی وضعیت کفتار و تهدیدهای آن در ایران به چشم می‌خورد، ارتقای سطح آگاهی جوامع محلی برای پرهیز از باورهای که به حفاظت گونه‌ها آسیب می‌زنند نیاز جدی است.

سیاسگزاری

مقاله پیش رو بر اساس پایان‌نامه کارشناسی نویسنده اول در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدوین شده است. در اینجا از همکاری صمیمانه آقای حسن اکبری هارونی و خانم اعظم حبیبی پور (اداره کل محیط زیست استان یزد)، آقای اکبر کارگر (اداره محیط زیست شهرستان میبد) و آقای عباس جعفری و هاشم جعفری، محیط‌بانان سخت کوش منطقه مرور، کمال قدردانی را داریم که بدون کمک‌های بی‌دریغشان ارائه گزارش پیش رو امکان پذیر نبود. همچنین از آقایان حسین عباسیان فتح آبادی و حسان اخوان برای همراهی در برخی سفرهای میدانی سپاسگزاریم. دوربین‌های تله‌ای به کار گرفته شده در این مطالعه به کمک آقای امیرحسین خالقی حمیدی (انجمن طرح سرزمین) فراهم شد که از ایشان تشکر می‌کنیم. مطالب مطرح شده در این مقاله لزوماً بیانگر نظرات افراد سیاسگزاری شده در آن نیست.

(۱) این مقاله ترجمه‌ای از مقاله زیر است:

Tourani, M. Moqanaki, E. M. and Kiabi, B. H. 2012. Vulnerability of Striped Hyenas, *Hyaena hyaena*, in a human-dominated landscape of Central Iran. *Zoology in the Middle East* 56, 2012: 133-13.

(2007) قابل تخمین نیست.

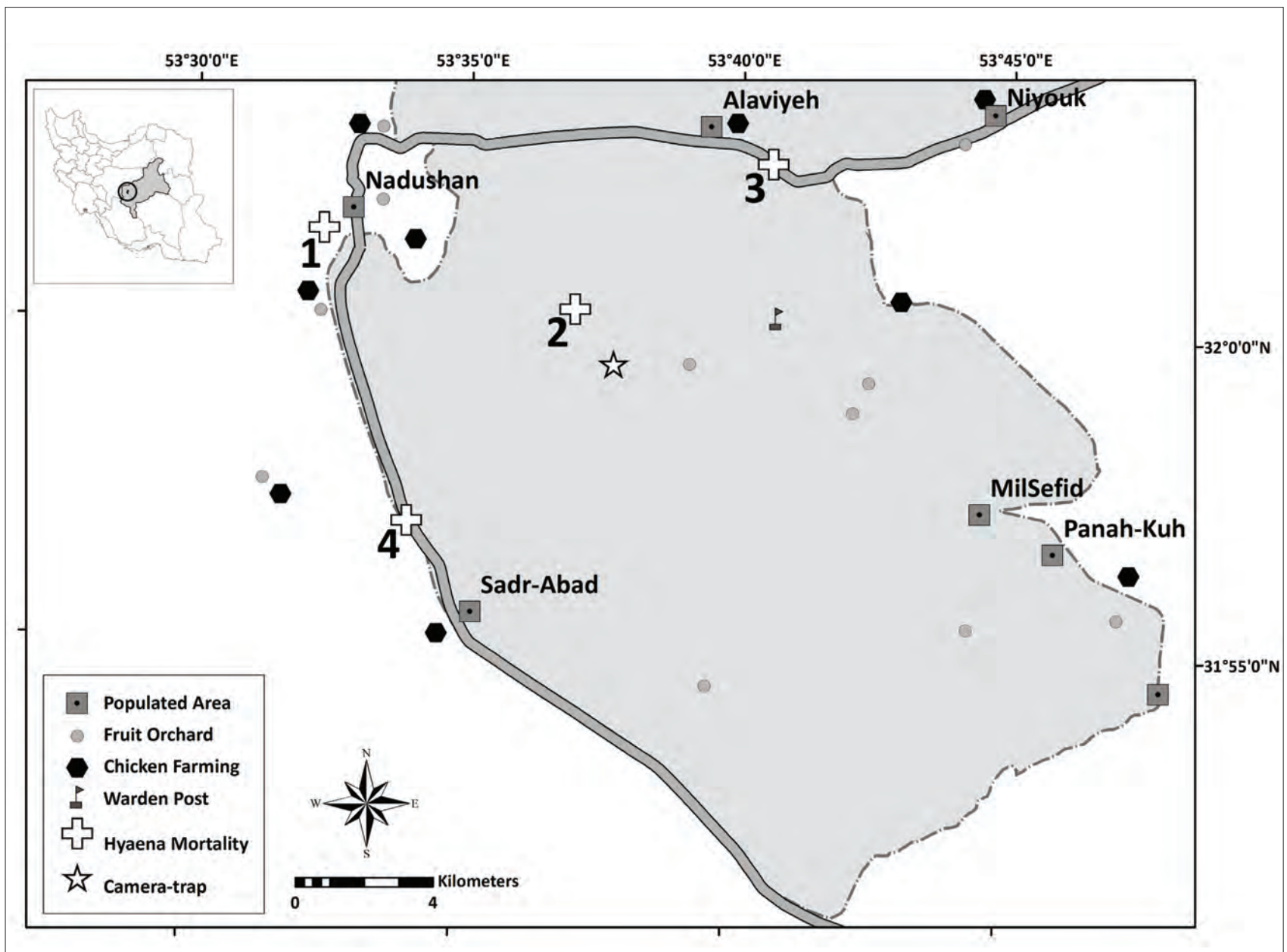
حضور جاده، افزون بر تاثیر منفی که بر حیات وحش مناطق دارد می‌تواند به سبب احتمال وجود جانوران کشته شده، لاشه‌خوارانی هم چون کفتار راه را به خود جذب کند که امکان مرگ و میر آن‌ها را افزایش می‌دهد (Mills & Hofer 1998). بر اساس ارزیابی اولیه دلایل تلفات پستانداران بزرگ ایران، تصادف جاده‌ای مهم‌ترین عامل مرگ و میر گوشتخواران در داخل شبکه مناطق حفاظت شده ایران به شمار می‌رود (Mousavi 2010). برای نمونه، تنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۹ مرگ حداقل ۱۲ فرد کفتار در پی تصادف جاده‌ای ثبت شده، هرچند داده‌های این مطالعه احتمالاً تنها مبین بخشی از رویدادهای مرگ و میر این جانوران در ایران است.

در حاشیه منطقه مورد مطالعه، سم گذاری و استفاده از تله‌های پاگیر برای دفع گوشتخواران رایج است. ضمن اینکه دفع نامناسب زباله‌ها و پسماند مراکز مرغداری در این محدوده، موجب جذب بیشتر حیات وحش به محیط‌های انسانی شده است. از سوی دیگر، همین لاشه‌های مرغ برای از بین بردن گوشتخواران منطقه توسط برخی از مردم محلی سم گذاری می‌شود و می‌تواند سبب مرگ جانورانی همچون کفتار را فراهم کند که نسبت به سم گذاری آسیب پذیرترند (Arumugam et al. 2008). خلاف تصور موجود مبنی بر سود بردن لاشه خواران از پسماندهای انسانی (Abi-Said & Abi-Said 2007)، بر این باوریم که این منابع با جذب کفتار به مراکز انسانی، افزایش احتمال مرگ آن‌ها به ویژه در زیستگاه‌های کم کیفیت و حاشیه‌ای را سبب می‌شوند (Woodroffe & Ginsberg 1998).

بر اساس قانون کنونی صید و شکار ایران، کفتار راه را در زمره گونه‌های جانوری قرار گرفته که حفاظت از آن‌ها

با یک کفتار ماده بود که پس از دو روز به رویت ما رسید. جنسیت این جانور نیز ماده بود و اندام تناسلی آن جدا شده بود (تصویر ۳). مورد دیگری در مهرماه ۱۳۸۹ به اطلاع ما رسید که مردم محلی از تصادف مشابه دیگری در جاده صدرآباد به محیط‌بانان خبر دادند. جست‌وجوی بیشتر پس از چند روز منجر به کشف لاشه نشد و اطلاع بیشتری از این اتفاق در دسترس نیست.

اگرچه داده‌های ارائه شده در این گزارش به طور تصادفی و در بازه زمانی به نسبت کوتاه گردآوری شده‌اند، می‌تواند نشانگر اثر منفی فعالیت‌های انسانی بر جمعیت‌های محلی کفتار و لزوم توجه به حفاظت از این گوشتخوار کمتر شناخته شده در ایران باشد. با وجود اینکه تعیین مستقل جنسیت برخی از لاشه‌ها با قطعیت ممکن نبود؛ تعداد زیاد کفتارهای ماده کشته شده در این منطقه، با توجه به ساختار اجتماعی پیچیده این گونه (Wagner 2006)، جای تامل دارد. در برخی کشورهای جنوب و غرب آسیا از جمله ایران، استفاده از اعضای بدن کفتار راه بر پایه برخی خرافه‌ها متداول است (Frembgen 1998) و اندام تناسلی تمام لاشه‌های گزارش شده در این مقاله نیز جدا شده بودند. بر اساس نتایج پرسشنامه‌ها ($n=10$)، بر این باوریم که مرگ کفتارها در محدوده مطالعاتی ما در پی کشتن مستقیم جانور و با اقدامات تلافی جویانه نبوده است چرا که هیچ یک از مصاحبه شوندگان، کفتار را خطری برای انسان و یا دام‌های خود به شمار نیاوردند. هرچند تلاش برای شکار جانور در برخوردهای اتفاقی برای به دست آوردن اعضای قابل استفاده بر اساس باورهای رایج، دور از ذهن نیست. از آنجا که هیچ ارزیابی از وضعیت جمعیت‌های کفتار در ایران وجود ندارد، میزان تاثیر این مرگ و میرها بر جمعیت‌های محلی گونه‌ای که در تراکم‌های پایین زیست می‌کند (Mills & Hofer 1998, Watts & Holekamp)



با محیط بانان

نوید قلی خانی: «رحمان اسحاقی» محیط بان منطقه حفاظت شده البرز مرکزی شمالی و متولد سال ۱۳۶۱ در یکی از توابع نوشهر است. آقای اسحاقی دو پسر دارد که دوست دارند در آینده حرفه‌ی پدرشان را پیشه کنند و محیط بان شوند.

او در سال ۱۳۷۹ بعد از گذراندن خدمت سربازی وارد عرصه‌ی طبیعت شد و شغل محیط بانی را شروع کرد. به گفته‌ی خودش، قبل از آن هیچ آشنایی با طبیعت و حیات وحش نداشت و دیدگاهش به حیوانات فقط به عنوان شکار بوده اما بعدها نگاهش به حیات وحش بسیار تغییر کرد، به طوری که شروع به تشویق دوستان شکارچی‌اش کرده که تفنگ‌هایشان را کنار بگذارند و دوربین به دست بگیرند. آقای اسحاقی برایمان از ارتباط خود با مردم می‌گوید مخصوصاً بعد از پخش شدن فیلم «در جستجوی پلنگ ایرانی» مردم و اقوام او توجه ویژه‌ای به او کردند و حالا بهتر می‌تواند مردم را به حفاظت از محیط زیست تشویق کند.

این محیط بان عزیز، علاقه‌اش تنها صرف حفاظت از حیات وحش نیست، بلکه بسیار به مسائل آلودگی‌های محیط زیست نیز حساس است و مقالات و مجلات را در این باره پیگیری می‌کند.



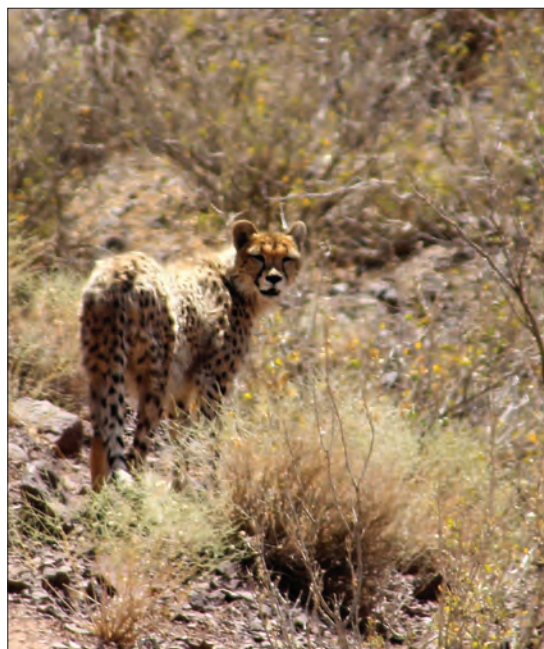
عکس از محمدصادق فرهادی بنی

از گونه‌های شاخصی که در منطقه حفاظت شده‌ی گلستانک زیست می‌کنند می‌توان به «پلنگ»، «گرگ»، «خرس»، «مرال» و «سیاه‌گوش» اشاره کرد که آقای اسحاقی با هر کدام از این حیوانات ده‌ها خاطره دارد. برای مثال صحنه‌ی تماشای شیرخوردن سه توله خرس و یا بازی کردن مرال‌ها در دشت‌های باز از این جمله است. تاثیر گذارترین صحنه‌ای که همواره از آن یاد می‌کند لحظه‌ای است که پلنگ بالغی را در فاصله‌ی ۲۰ متری می‌بیند و ابهت و زیبایی این حیوان را درک می‌کند.

به نظر آقای اسحاقی برای محیط بان شدن مهم‌ترین ویژگی علاقه‌ی وافر به حیات وحش است؛ علاقه‌ای که از کودکی در وجود فرد نهادینه شده باشد و به آن ایمان داشته باشد.

در نهایت آرزوی آقای اسحاقی نازنین این است که با تلاش‌های افراد مسئول به جایی برسیم که تمام مردم حتی افراد عادی به معنای واقعی محیط زیستی شوند و اهمیت حفاظت از طبیعت و نعمات الهی را بفهمند.

ثبت حضور یوزپلنگ در یک زیستگاه قدیمی؛ بازگشت یوزپلنگ آسیایی به منطقه حفاظت شده درونه



سعید شفیعیان: سال‌ها بود که اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی تلاش‌های مستمری را برای اثبات حضور یوزپلنگ در محدوده درونه در حوزه منطقه حفاظت شده درونه و پناهگاه (پیشنهاد شده) حیات وحش دشت لاغری آغاز کرده بود. در همین راستا، برنامه‌های متعددی در دستور کار اداره حفاظت محیط زیست بردسکن قرار گرفته بود.

آموزشی جوامع محلی منطقه بر اساس ایجاد حساسیت محلی، فرهنگ سازی، ارزش‌های زیستی و تفاوت‌های پلنگ و یوزپلنگ (که در مشاهده دو گونه جزو اشتباهات رایج به شمار می‌رود)، شکل گرفت و پیگیری شد. در عین حال کسب اطلاع و ارائه موارد لازم جهت حفظ و حراست و اطلاع رسانی در صورت مشاهده نیز با همکاری عشایر منطقه برنامه مهمی بود.

تا این که گزارش مشاهده یوز در منطقه در نیمه خرداد ۱۳۹۱ (همزمان با هفته محیط زیست) توسط اهالی حساسیت موضوع را دوچندان کرد. تنها دو هفته بعد و در روز عید مبعث، با همکاری مردم طبیعت دوست و با فرهنگ کلاته برق گونه یوزپلنگ ایرانی در این منطقه شناسایی، ثبت و مستند سازی شد.

اتفاق فرهنگی‌ای که در حاشیه این حادثه مهم رخ داد توجه و تلاشی بود که عشایر و مردم این خطه در این زمینه از خود نشان دادند. متأسفانه و باز هم متأسفانه کم اتفاق نیفتاده که اهالی یک منطقه با مشاهده یک حیوان چون یوز پلنگ یا پلنگ یا خرس یا کفتار یا... با

عکس یوزپلنگ ایرانی در منطقه حفاظت شده درونه، خرداد ۱۳۹۱، عکس از سعید شفیعیان



چوب و چماق و اسلحه به جان حیوان مظلوم زبان بسته افتاده‌اند. هنوز می‌توان با گذشت یک دهه، تلخی حادثه کشتار یک قلاده پلنگ در حوالی شهرستان‌مان که به گفته اهالی به دنبال توله‌هایش از کوه پایین آمده بود را فراموش کرد. اما در مورد اخیر، فرهنگ آشنایی و انس مردم با طبیعت و مهم‌تر از همه افزایش معلومات زیست محیطی ناشی از آموزش‌ها و اقدامات خصوصاً رسانه‌ها و بالاخص تلویزیون و... رویدادی فرهنگی را رقم زد که چون شناسایی این گونه در منطقه، ارزشمند بود. اهالی با مشاهده یوز در منطقه در اولین فرصت آن را به ماموران محیط زیست گزارش داده بودند و حتی خود در اقدام پیشگیرانه راه منتهی به دره را کنترل کرده بودند که کسی عارضی یوز نشود.

من و همکارم آقای رمضان نژاد که در اولین فرصت به محل رسیده بودیم، پس از تصویر برداری، در هنگام عزیمت به روستایی که در داخل منطقه حفاظت شده قرار دارد (کلاته برق) شاهد بودیم که شورا و دهیار روستا تضمین می‌دادند حتی اگر یوز به گله یا بز و گوسفندی هم خسارت بزند، از بودجه خودشان هم شده جابجایی خسارت دیدگان خواهند بود (که البته خاطر نشان شد خود محیط زیست جهت این موارد مکانیسم‌هایی برای خسارت وارده از سوی حیات وحش دارد).

نهایتاً این اتفاق مبارک فرهنگی در منطقه‌ای عشایری که شغل غالب آن‌ها دامداری است به همراه شناسایی گونه در خطر انقراض یوز ایرانی باعث این دلگرمی می‌شود که با مشارکت همین اهالی و تمام طبیعت دوستان، محیطی امن را برای یوز ایرانی در شهرستان‌مان فراهم کنیم.

شعری برای یوزپلنگ

مردم خوب عشایر ، یوزپلنگ مهمانتان هست بر خوان شما ، مهمان به سان جانتان

حفظ این حیوان بود واجب؛ که مخلوق خداست پس نگهداری کنید از آن ، چنان ایمانتان

بودن حیوان ز هر جنسی ، شما را لازم ست چون خدا فرموده است در آیه ی قرآنتان

قوم ایرانی ضعیفان را همیشه حامی است جان من- ای قوم ایرانی - شود قربانتان

حیف باشد نسل یوز ، چون شیر ایران گم شود سیر سازیدش ز آب و ریزه های نانتان

او که دشمن نیست با ما ، خوی او باشد شکار گر بود سیر ، کی دهد آزار بر چوپانتان؟

غیرت و عقل و شعور گوید که باید حفظ کرد این چنین حیوان نادر ، مثل فرزندانان

پیش‌تاز علم و فرهنگ و تمدن بوده اید علم و فرهنگ حفظ سازید با همه امکانتان

هر که دارد علم و دین، از وحش کشتن فارغست کوه ودشت بی یوز و آهو می شود زندانتان

حفظ آب و خاک و هر وحش و گیاهی لازم است تا به جا ماند شکوه و نعمت ایرانستان

احسان ایلخانی

از اهالی کلاته برق، منطقه حفاظت شده درونه

این بار نمایشی با موضوع پلنگ ایرانی



که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها! ابتدای تابستان ۹۰ بود. تا آن موقع یک سالی بود که کاروان نمایش «دردسره‌های یوزپلنگی» این سر و آن سر کشور سفر کرده بود و بازخوردهای بسیار خوبی گرفته بود. بر اساس همین بازخوردها و وضعیت پلنگ ایرانی و خطرات روزافزونی که نسل آن را به خطر انداخته است، گروه نمایش انجمن تصمیم گرفت در مرحله دوم کاری خود به سراغ این گونه جانوری برود. این بار تجربه بیشتری داشتیم. بهتر می‌دانستیم چه‌طور ترانه نمایش را بگوییم، ملودی ترانه چه‌طور باشد، در متن نمایش چه نکته‌هایی را در نظر بگیریم و بازی‌ها چه‌طور باشد. اما این تجربه باعث شد کار سریع‌تر پیش برود؟ نه! آنقدر سخت‌گیر شده بودیم که گفتن ترانه یک ماه طول کشید، برخلاف ترانه یوزپلنگ که یک هفته‌ای گفته شده بود. ترانه را به آهنگساز دادیم. ملودی ترانه به دل‌مان ننشست. با چندین و چند آهنگساز حرف زدیم. بعد از مدت‌ها رفتن و آمدن و حرف زدن بالاخره آهنگسازی پیدا شد که فضای کار ما را می‌فهمید و کیفیت و نوع کارش برای ما مناسب بود. آهنگ آماده شد، آن هم بعد از نزدیک به ۵ ماه. از متن نمایش چه خبر؟ بارها بازنویسی شد و همچنان هنگام تمرین‌ها حک و اصلاح شد. تجربه ساخت عروسک یوزپلنگ باعث شد عروسک پلنگ بهتر و سریع‌تر آماده شود؟ تجربه‌مان باعث بهتر شدن عروسک شد، اما سریع‌تر بودنش دست ما نبود. تا ما خواستیم عروسک بسازیم پارچه فروش‌های بازار اعتصاب کردند و یک ماه منتظر ماندیم تا شاید باز کنند و پارچه پیدا کنیم. بعدش هم که باز کردند، پارچه پلنگی مورد نظر ما به سختی پیدا شد. آخرش به یک پارچه رضایت دادیم که نه آنچنان واقعی بود و نه آن‌چنان دور از واقعیت. آماده شدن آکسسوار نمایش هم ماجراهای خودش

جا پای پلنگ‌های اشترانکوه

مقصد اولین سفر کاروان نمایش پلنگ، استان لرستان و روستاهای اطراف اشترانکوه مشخص شد. ابتدای اسفند ماه و هوا هنوز سرد بود. اجرای این نمایش بخشی از

پروژه پژوهشی و آموزشی با موضوع پلنگ ایرانی بود که انجمن از تابستان گذشته با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان لرستان آغاز کرده بود. متأسفانه حدود یک سوم آمار کشتار پلنگ در رشته کوه زاگرس، متعلق به استان لرستان است. در این سفر کاروان نمایش در دو روستای قلعه سنگی و دارماهی در حاشیه منطقه حفاظت‌شده سفید کوه خرم‌آباد و دوروستای تی و عمارت از روستاهای حاشیه منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه برنامه اجرا نمود. برای رسیدن به روستاهای مورد نظر ساعت‌های جاده‌های کوهستانی پیچ خوردیم و بالا و بالاتر رفتیم. تیم پروژه پژوهشی و آموزشی انجمن در این استان و گروه نمایش امیدوار بودند با اجرای این برنامه، موجب افزایش حساسیت و توجه مردم محلی به بقا و سرنوشت پلنگ ایرانی در منطقه محل زندگی‌شان شوند. استقبال از برنامه بسیار رضایت‌بخش بود. گفتگوهای پس از برنامه نشان می‌داد اهالی روستا به موضوع علاقمند شده‌اند و نکات آموزشی مورد نظر را به خوبی درک نموده‌اند.

به دنبال پلنگ‌های قلعه نشین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ فرا رسید و کاروان نمایش به دعوت اداره کل محیط‌زیست استان قزوین به منطقه الموت سفر کرد. در این منطقه نیز همچون دیگر مناطق ایران، تعارض زندگی روستایی و شهری و حیات وحش روز به روز در حال افزایش است. از همین رو، اداره کل محیط‌زیست این استان مدت‌هاست که برنامه‌های متعددی برای تعامل با مردم محلی در جهت حفاظت از پلنگ ایرانی در دست داشته و اجرای فعالیت‌های آموزشی بخشی از این برنامه‌ها بوده است. در این سفر، کاروان نمایش به همراه معاون محیط‌طبیعی اداره کل محیط‌زیست استان، کارشناسان اداره کل و اداره شهرستان و محیط‌بانان در سه روستای سوگاه، تلاتر و هیر حضور یافت و برنامه اجرا کرد. در پایان هر برنامه، گفتگوهای بین اهالی و کارشناسان اداره محیط‌زیست شکل گرفت. باز شدن در چنین گفتگوهای را باید غنیمت دانست و آن را پیگیری نمود. زیرا تنها با تعامل صحیح میان متولی دولتی محیط‌زیست و مردم است که می‌توان به حفاظت پایدار گونه‌های ارزشمندی مانند پلنگ ایرانی امیدوار بود. اداره کل حفاظت محیط‌زیست قزوین یکی از معدود تجربیات پرداخت خسارت مردم محلی در زمان حمله پلنگ به دام‌هایشان را دارا بوده و در پیش گرفتن چنین روندی بسیار امیدوارکننده است.

به کمک پلنگ ایرانی بشتابیم

کاروان نمایش پلنگ ایرانی به سفر خود در ایران ادامه خواهد داد، تا در حد و اندازه امکانات خود به حفاظت پلنگ ایرانی کمک کند. اگر فکر می‌کنید اجرای این نمایش و برنامه‌های آموزشی همراه آن به حفاظت پلنگ در منطقه شما کمک خواهد کرد، به ما اطلاع دهید تا به منطقه شما سفر کنیم.



برگزاری نشست میان کارشناسان و محیط‌بانان اداره کل و افراد محلی

یوزپلنگ در کویر به تصویر کشیده می‌شود

نیز در بخشی از این مستند به نمایش در خواهد آمد. فتح الله امیری کارگردان و تهیه کننده این فیلم بوده و نیما عسگری و آرش محرمی فیلمبرداری این اثر را بر عهده دارند. این مستند که از ابتدای سال ۱۳۸۹ آغاز شده و قرار است تا پایان سال جاری به پایان برسد، با حمایت صدا و سیمای مرکز سمنان و همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست سمنان و پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی در حال تولید است.

فتح الله امیری: یوزپلنگ در پارک ملی کویر مستندی است که به زودی توسط تیم مستندسازی انجمن یوزپلنگ ایرانی آماده پخش خواهد شد. این فیلم مستند به بررسی وضعیت پارک ملی کویر از نظر یوزپلنگ و سایر گونه‌های مرتبط با آن پرداخته و تلاش خواهد کرد علت جمعیت اندک این جانور را در این منطقه کنکاش نماید. در عین حال، تلاش‌های صورت گرفته برای حفاظت از این گونه توسط محیط‌بانان منطقه



یوزپلنگ ایرانی در پارک ملی کویر، فرورین ۱۳۹۰، عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی

برگزاری کارگاه آموزشی پلنگ کارشناسان و محیط‌بانان در استان مرکزی

محیط زیست استان مرکزی و پیگیری معاونت محیط طبیعی این اداره کل و با همکاری انجمن یوزپلنگ ایرانی برگزار شد تا بتواند پایه‌ای برای انجام پژوهش‌های مستمر در زمینه گوشتخواران مختلف در مناطق این استان شود. از همین رو در گام بعد، با استفاده از دوربین‌های تله‌ای ساختار جامعه گوشتخواران برخی از مناطق حفاظت شده این استان در تابستان سال جاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در حال حاضر بررسی‌های مقدماتی برای ارزیابی مقدماتی زیستگاه‌ها آغاز شده است.

فاطمه حسینی: به منظور آموزش کارشناسان و محیط‌بانان، کارگاه یک روزه‌ای در اوایل خرداد ۱۳۹۱ محل اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی در اراک برگزار شد. این کارگاه علمی تخصصی در دو بخش برنامه‌ریزی شده بود و حدود ۳۰ نفر از کارشناسان و محیط‌بانان مناطق مختلف این استان در آن شرکت کردند. در بخش نخست، ابعاد مختلف بوم شناسی پلنگ ایرانی برای حضار تشریح شد و در بخش بعد، آثار و نمایه‌های گوشتخواران به شرکت کنندگان آموزش داده شد. این برنامه توانمندسازی با همت اداره کل حفاظت

بازخوردهای مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی»

اتحادیه جهانی حفاظت IUCN تحت پوشش قرار گرفت. در سطح کشور، پیام‌های محبت آمیز فراوانی از سوی علاقمندان و کارشناسان، اعضای سازمان‌های مردم نهاد، محیط‌بانان و کارشناسان ادارات کل محیط زیست استان‌ها، مدیران کل و معاونین سازمان حفاظت محیط زیست و دانشگاهیان به دست تیم سازنده این اثر رسید که بسیار تشویق کننده برای فعالیت‌های آتی بود. بدون شک مهم‌ترین دستاورد قابل انتظار برای این فیلم، تأثیر آن بر جامعه هدف یعنی دامداران و روستائینان منطقه البرز مرکزی شمالی بود! به گفته محیط‌بان رحمان اسحاقی همکاری مردم بسیار افزایش یافته و بسیاری از شکارچیان با او تماس گرفته و ابراز تمایل برای همکاری کرده‌اند. شورای شهر چالوس نیز در حمایت از این فیلم پلاکاردی مقابل منزل این محیط‌بان نصب نمود. مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» به کارگردانی فتح الله امیری، محصول مشترک انجمن یوزپلنگ ایرانی و شرکت ستاک تصویر است.

سی‌امین جشنواره فیلم فجر در حالی به پایان رسید که مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» موفق به کسب سیمرغ بلورین به عنوان بهترین فیلم مستند شد. همزمان با نخستین روز سال ۱۳۹۱، اولین پخش تلویزیونی این مستند از شبکه شما (شبکه دیجیتال مختص نمایش برنامه‌های سیمای مراکز) انجام گرفت و پس از آن، نمایش این فیلم از شبکه‌های سراسری و مراکز استان‌ها آغاز شد، به طوری که تا به حال بیش از ۳۳ بار از شبکه‌های مختلف سیما نمایش داده شده است.

ژورنال معتبر علمی اوریکس «Oryx» در شماره آوریل ۲۰۱۲ خود به اطلاع رسانی درباره کسب سیمرغ بلورین توسط مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» پرداخت. این فیلم که در بهمن سال گذشته به عنوان بهترین مستند جشنواره فیلم فجر دست یافته بود، در بخش اخبار مربوط به خاورمیانه این ژورنال تحت پوشش قرار داده شد. همچنین این فیلم و علت ساخت آن در شماره بهار ۲۰۱۲ ژورنال Cat News مربوط به گروه متخصصین گربه‌سانان



یوزنامه، خبرنامه داخلی انجمن یوزپلنگ ایرانی است که برای اطلاع‌رسانی پیرامون فعالیت‌های این انجمن درباره یوزپلنگ و سایر گونه‌های حیات وحش در کشور تهیه و توزیع می‌گردد. نهایت تلاش هیئت تحریریه بر آن است تا این خبرنامه را به صورت دوفصل‌نامه در اختیار دانشجویان، استادان، کارشناسان، مدیران، محیط‌بانان و علاقه‌مندان قرار داده و در این راه، نیازمند همیاری و همفکری شما هستیم.

سردبیر:

محمد فرهادی نیا

دبیر اجرایی:

محسن پرورمضانی

صفحه آرایی:

حمیدرضا میرزاده

همکاران این شماره:

محمدصادق فرهادی‌نیا

مرتضی اسلامی دهکردی

فتح الله امیری

یاسمن حسن‌بیگی

فاطمه حسینی زواری

صفورا زواران حسینی

باقر نظامی

نوید قلی‌خانی

سعید شفیعیان

احسان محمدی

سیما ببرگیر

مهدیه طورانی

چاپ:

گروه صنعتی ایران خودرو



انجمن یوزپلنگ ایرانی، یک سازمان غیر دولتی زیست محیطی، مستقل و غیر انتفاعی است که از سال ۱۳۸۰ برای حفظ آخرین بازمانده‌های یوزپلنگ ایرانی فعالیت می‌کند. اهداف این انجمن عبارتند از:

(۱) مطالعه و پژوهش در مورد حیات وحش، به‌ویژه یوزپلنگ و زیست بوم‌های مرتبط با آن
(۲) تنویر افکار عمومی به منظور ارتقای سطح آگاهی جامعه در مورد محیط زیست، حیات وحش و یوزپلنگ

(۳) حفاظت از حیات وحش، به‌ویژه یوزپلنگ و زیستگاه‌های آن

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد انجمن و فعالیت‌های آن با ما تماس بگیرید:

تلفن/فکس: ۸۸۰۰۵۹۲۶ (۰۲۱)

همراه: ۴ - ۰۹۱۲۸۱۱۱۴۲۳

نشانی پستی:

تهران، صندوق پستی ۸۵۴۹-۱۴۱۵۵

نشانی دفتر: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبروی مرکز قلب،

خیابان شکرالله، پلاک ۱۳۴، طبقه دوم، واحد ۵

پست الکترونیک: info@wildlife.ir

وب سایت: www.wildlife.ir



برای حفاظت از حیات وحش - ۱۳۸۰